

شخص با کرمی استش در آموزه های دینی



دکتر سوسن کشاورز
عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم

«هر کس کرامت نفس داشته باشد، دنیا در دیده اش کوچک است و هر کس نفسش خوار باشد، دنیا در دیده اش بزرگ است.»
«املک علیک هواک و شخّ بنفسک عما لا یجمل لک، فان الشخّ بالنفس حقیقه الکرّم.»
«هوای نفست را نگهدار و نسبت به خویشتن از آن چه حرام است بخل بورز، زیرا بخل نسبت به خویشتن، حقیقت کرم است.»

«من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته.»^۲
«آن کس که کرامت نفس دارد، شهوات و تمایلات نفسانی نزدش خوار و حقیر است.»
«من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه.»^۱
«آن کس که کرامت نفس دارد، هرگز آن را با ارتکاب گناه و نافرمانی بیست و موهون نمی سازد.»
«ثلاثه تدل علی کرم المرء: حسن الخلق، کظم الغیظ و عظم الطرف.»^۳
«سه چیز گواهِ کرم مرد است: خوش خوئی، غلبه بر خشم و چشم پوشی.»

۲- نرم خوئی و خوش اخلاقی

معیار دیگری که نشانگر کرامت انسان است، خوش اخلاقی و نرم خوئی است.
علی (ع) می فرماید: «من الکرّم لین السّیم.»^۴
«نرم خوئی از کرم است.»
«والکرّم حسن السّحیه.»^۵
«خوش رفتاری از کرامت است.»
«یستدل علی کرم الرّجل بحسن بشره و بذل برّه.»^۶
«کرامت آدمی، با گذشاده رویی و نیک خوئی و احسان کردنش استدلال شود.»

۳- پای بندی به عهد و پیمان

کریمان، کسانی اند که هنگام بستن عهد و پیمان و دادن وعده، خود را ملزم به انجام آن می دانند. مولای متقیان چنین تأکید دارند

مفهوم کرامت نفس

کرامت در لغت عبارت است از: بزرگی، بزرگواری، جوانمردی، بخشش، و ... در اصطلاح عبارت است از جایگاه و منزلتی که انسان را در نزد هموعانش والا و با شخصیت معرفی می کند. راغب اصفهانی در توضیح واژه کرامت می نویسد: کرم اگر وصف خدا باشد، مراد از آن، احسان و نعمت اشکار خداست و اگر وصف انسان باشد، تمام اخلاق و افعال پسندیده است. به کسی کریم نگویند، مگر بعد از آن که آن اخلاق و افعال از وی ظاهر شوند.^۱
آیت الله جوادی آملی در تعریف این واژه می فرماید: کرامت همان نزاهت از پستی و فرومایگی است. روح بزرگواری و منزّه از هر پستی را کریم می گویند. (جوادی آملی، ۱۳۶۶، ص ۲۲).

شاخص های کرامت نفس

با استناد به متن آموزه های دینی، می توان معیارهایی را برای کرامت نفس انسان معرفی کرد تا مبنایی باشد برای آن که مشخص شود فردی صاحب کرامت است یا خیر. هم چنین این شاخص ها، معیارهایی را برای آن که افراد صاحب کرامت نفس شوند، معرفی می نماید.

۱- خویشتن داری

یکی از معیارهایی که مشخص کننده انسان هایی با کرامت است، خویشتن داری و مالکیت هوای نفس است. انسان کریم بر زبان، غضب و امیال خویش تسلط دارد، چشم و دلی پاک دارد و هوای نفس او در نظرش کوچک و پست است.
امام علی (ع) نیز غرر الحکم (ص ۱) در این خصوص چنین بیان می دارند:
«الکرّم من محب المحارم و من عن العیوب.»
«انسان کریم کسی است که از حرام اجتناب می کند و از همه عیب ها منزّه و پاک است.»
«من کریمت لنفسه، صغرت الدنیا فی عینه و من هانت نفس کبرت الدنیا فی عینه.»



که :

« من الکریم الوفاء بالذمم. »^۹

« از نشانه‌های کرامت، وفای به تعهدات است. »

« الکریم بذل الجود وانجاز الوعود. »^{۱۰}

« کرامت، بخشش را به کار بستن و پیمان‌ها را به جای آوردن

است. »

« الکریم اذا وعد وفی و اذا تواعد عفی. »

« کریم هنگامی که وعده‌ای می‌دهد به آن وفا می‌کند و هنگامی

که به او وعده‌ای داده می‌شود، از آن در می‌گذرد. »

« سنه الکریم الوفاء بالعهد، سنه اللئیم الجحود. »

« سنت انسان‌های کریم، وفای به پیمان‌هاست و سنت انسان‌های

لئیم، انکار و تکذیب است. »

۴- سادگی

انسان کریم، انسانی ساده و از بیحدگی‌ها و داشتن نیت‌های

پنهانی به‌دور است. از امیر مؤمنان (ع) در غررالحکم نقل شده

است که می‌فرمایند:

« الکریم ابلج و للئیم ملهوج. » انسان کریم روشن و آشکار

است و انسان لئیم پیچیده. »

« الکریم جمل. »

کریم ساده (و جمع جور) است. »

۵- آبروداری

برای انسان کریم حفظ جایگاه اجتماعی، حرمت و آبرو

اهمیت بالایی دارد. او نمی‌خواهد مورد آهانت قرار گیرد و خوار

شود. برای او حفظ آبرو از حفظ مال مهم‌تر است. علی (ع)

می‌فرمایند:

« الکریم ایتار العرض علی المال، اللؤم ایتار المال علی الرجال. »^{۱۱}

« کرم عبارت است از گزیدن آبرو بر مال و لئامت عبارت است

از گزیدن مال بر مردم. » و در حدیث دیگری نیز می‌فرمایند: « الکریم

من صان عرضه بماله، اللئیم من صان ماله بعرضه. »^{۱۲}

« کریم کسی است که آبرویش را با بذل مالش حفظ می‌کند،

در حالی که لئیم کسی است که مالش را با بذل آبرویش نگه

می‌دارد. »

۶- احسان

یکی دیگر از شاخص‌های انسان‌های کریم، احسان آن‌هاست.

انسان کریم از احسان کردن و بخشیدن مال لذت می‌برد. او

بیش‌تر دست‌دهنده دارد تا دست‌گیرنده. در حالی که لئیم از

گرفتن و بهره‌گیری از دیگران لذت می‌برد.

علی (ع) در این خصوص می‌فرماید:

« الکریم من بذل احسانه، اللئیم من کثر امتنانه. »

« کریم کسی است که احسانش را می‌بازاند، در حالی که لئیم

کسی است که تقاضای بسیار دارد. »

« لیس من عاده الکریم تاخیر الانعام. »^{۱۳}

« تأخیر احسان از خوی کریمان نباشد. »

« الکریم من سبق نواله سؤاله. »^{۱۴}

« کریم کسی است که بخشش بر تقاضایش سبقت گرفته

است. »

« الکریم من بدأ باحسانه. »

کریم کسی است که به احسان کردن پیشی می‌گیرد. »

« من تمام الکریم اقام التعم. »^{۱۵}

« کمال کرامت، احسان کامل است. »

۷- بخشش (عفو)

بخشیدن گناهان و جرایم دیگران از سنت کریمان است. آنان

بدی را با نیکی پاسخ می‌دهند و هنگامی که قدرت می‌یابند،

دست به عفو و بخشش می‌زنند.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

« المبادره الی العفو من اخلاق الکریم، المبادره الی انتقام من اخلاق

اللئیم. »

« اقدام به بخشش از اخلاق کریمان است و اقدام به انتقام از

اخلاق لئیمان است. »

« الکریم من جازى الاساءه بالاحسان. »^{۱۶}

« انسان با کرامت کسی است که بدی را با نیکی پاسخ

می‌دهد. »

« الکریم اذا قدر صفع و اذا ملک سمع و اذا سئل انجح. »

« کریم کسی است که اگر قدرت پیدا کند، می‌بخشد و

اگر داری بیاید ارزانی می‌دارد و اگر مورد سؤال واقع شود،

درخواست را برآورد. »

« لیس من شیم الکریم تعجیل الانتقام. »

« از صفات انسان‌های کریم، تعجیل در انتقام نیست. »

پی نوشت‌ها:

۱- معزالدین، سید محمود، المنیر، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲- غررالحکم، شماره ۹۱۳۰، ص ۴۵۱.

۳- همان، ص ۲۱۳.

۴- همان، ص ۲۱۰.

۵- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۲.

۶- همان، ج ۷۷، ص ۲۰۸.

۷- غررالحکم، حدیث شماره ۱۶۶۱، ص ۱۰۰.

۸- همان، حدیث شماره ۱۰۸۱۳، ص ۸۷۵.

۹- غررالحکم، حدیث شماره ۹۹۳۲، ص ۷۹۷.

۱۰- همان، حدیث شماره ۱۷۷۵، ص ۱۰۷.

۱۱- همان، حدیث شماره ۱۷، ص ۲۱.

۱۲- غررالحکم، حدیث شماره ۲۱۵۹، ص ۱۵۴.

۱۳- همان، حدیث شماره ۱۷۰، ص ۶۶.

۱۴- همان، حدیث شماره ۲۴۳، ص ۳۱.

۱۵- همان، حدیث شماره ۱۰۰۴۷، ص ۸۲۵.

۱۶- غررالحکم، حدیث شماره ۱۶۶۴، ص ۱۰۰.